رفتارشناسی امام علی(علیه السلام) (1) همزیستی

«پرورش ایمان در کودک»

رفتارشناسی امام علی(علیه السلام) (1) همزیستی

پدید آورنده : حسین سیّدی ، صفحه 34

آنچه در این شماره و شماره بعد می خوانید، گزیده ای است از کتاب در دست انتشارِ «امیر گل ها».

در این کتاب، شخصیت بی کران حضرت علی (علیه السلام) در چهار بعد ارتباط با خویشتن، خدا، دیگران و طبیعت مورد بررسی قرار گرفته

همزیستی

1ـ اسیران

صبح روز نوزدهم ماه مبارک رمضان، مردمانِ خفته در مسجد را برای نماز صبح بیدار می کرد. چون پسر ملجم شمشیرش را بر فرق حضرت فرود آورْد، امام به زانو درآمد. چون به هوش آمد، به پسرانش ـ حسن و حسین ـ فرمود:

این اسیر را در بند نگه دارید. غذایش بدهید وسیرابش کنید و اسارتش نیکو باشد.

به پسرش امام مجتبی(علیه السلام) فرمود:

پسرم! بر اسیرت مهربان باش و به او مهر بورز. نیکی کن ودلسوز باش... .

[سپس از هوش رفت] چون به هوش آمد، امام مجتبی کاسه ای از شیر به لبانش نزدیک کرد. اندکی از آن را نوشید و سپس کنار زد و فرمود: «آن را نزد اسیرتان ببرید». سپس به ایشان فرمود:

پسرکم! به حقی که بر گردنتان دارم، جز غذا و نوشیدنی پاکیزه ای که می خورید ومی نوشید، به او ندهید. تا هنگامی که چشم از این جهان فرو می پوشم، با او نرمی کنید. از آنچه می خورید، به او بخورانید و از آنچه سیراب می شوید، به او بنوشانید... .

2ـ اقلیت های دینی

روزی در سفری پیاده، با غیر مسلمانی همسفر شد. غیر مسلمان از او پرسید: کجا می روی ای بنده خدا؟ پاسخ داد: «کوفه». چون بر سر دو راهی رسیدند، همان راهی را رفت که غیر مسلمان می رفت. مرد علت را پرسید. امام فرمود: اوج [همسفری و] همنشینی آن است که انسان چند قدمی دوستش را بدرقه کند. پیامبر (صلی اللّه علیه وآله) به ما چنین فرمانی داد.

مرد پرسید: [واقعاً] رسول خدا [چنین] گفت؟

ـ بله.

ـ کسی که او را پیروی کند، کارهای نیک او را پیروی کرده است. من به اسلام گواهی می دهم.

مرد مسلمان شد و به دنبال امام رهسپار شد.

روزی پیرمرد نابینایی را دید که دست به گدایی دراز کرده است. پرسید: این پیرمرد کیست؟ گفتند: مردی مسیحی است. از کار افتاده و گدایی می کند.

ـ تا زمانی که پیر و ناتوان نشده بود، از او کار کشیدید، اینک [که به این حال و روز افتاده] نیکی خود را (خیر خود را) از وی بازداشته اید؟ از بیت المال خرج او را بپردازید.

ابراز تأسف تلخِ امام (علیه السلام) برای ربودن خلخال [= پایبند]، گردنبند و گوشواره زنی غیر مسلمان از سوی غامدی ـ فرمانده سپاه معاویه ـ نشانه دغدغه های ایشان در حفظ حقوق غیر مسلمانان بود.

استاندار امام در سرزمین فارس، مردی بود به نام عمر، پسر ابی سلمه ارحبی. در آن جا زرتشتیان بسیار بودند و استاندار با آنان خوشرفتاری نمی کرد. خبر به حضرت رسید. نامه ای نکوهشگرانه به او نوشت: «دهقانان شهر تو، از درشتخویی و سخت دلی ات شکایت کرده اند که ایشان را تحقیر می کنی و بر ایشان ستم روا می داری. نگریستم و دیدم که آنان هنوز مشرک اند و ... چون در پناه اسلام اند، نشاید که آنان را برانی یا بر ایشان ستم روا داری.»

اقلیت های دینی، همانند مسلمانان اجازه داشتند در کشورهای اسلامی، «مطب» دایر، و مردم را «ویزیت» کنند. این آزادی حرفه و رجوعِ به متخصص، چنان در جامعه متدینِ آن زمان امری عادی بود که پس از ضربت خوردنِ امام، طبیبی یهودی و بسیار متخصص به نام اثیر ـ پسر عمروِ هانی سلونی ـ را بر بالین وی آوردند.

در نامه ای از مأموران مالیاتی اش می خواهد: به مالِ هیچ یک از مردم ـ خواه مسلمان و خواه نامسلمانِ دارایِ پیمان ـ دست درازی نکنند.

روزی زره گمشده خویش را در دست مردی یهودی دید. فرمود: «این زره، مال من است». یهودی انکار کرد و گفت: «زره در دست من است، شما که ادعای مالکیت آن را داری، باید دلیل بیاوری.»

چون حضرت شاهدی بر گفتار خود نداشت، شریح، قاضی محکمه کوفه، به نفع یهودی حکم صادر کرد. یهودی، با مشاهده همسانی امام با دیگر قشرهای جامعه و حتی یک فرد غیرمسلمان، در برابر قانون، گفت:

«او راست می گوید. زره مال اوست و در جنگ صفین، از اسبی خاکستری رنگ بر زمین افتاد و من آن را برداشتم.» مرد، مسلمان شد. امام بدو فرمود: «اینک که مسلمان شدی، زره را به تو بخشیدم.»

در این رخداد تاریخی، استقلال قاضی را نیز به خوبی می توان دید. آنچه بر شگفتی آدمی می افزاید، آن است که این مسأله زمانی رخ داد که امام خلیفه مسلمانان و حاکم بر حدود پنجاه کشور اسلامی فعلی بود. دانشمندان پیشین و معاصر اهل سنت نیز این واقعه را در کتاب خویش آورده اند.

3ـ بانوان

به بانوان سلام می کرد، اما خوش نمی داشت به زنان جوان سلام کند و می فرمود:

بیم آن دارم که از صدایشان خوشم بیاید و گناهی که از این راه بر من بنویسند، بیش از پاداشی باشد که در جست و جوی آن هستم.

جز بزرگوار به زن احترام نمی کند و جز فرومایه به وی توهین نمی کند.

در نامه ای خطاب به پسرش امام مجتبی(علیه السلام)، از وی می خواهد: کاری را که فراتر از توانایی زن است، بر عهده اش نگذار؛ چرا که زن، [همانند] گل [دارای روح و جسمی لطیف، تُرد و شکننده] است... .

بهترین بانوان شما، بانوان سهل گیرِ نرم خو و سازگارند.

از مشورت با هر زنی بپرهیز؛ مگر با زنی که به تجربه نشان داده دارای اندیشه ای بلند است.

با بانوان [محرم و همسرانتان] خوش گفتار باشید، تا آنان نیز خوش رفتار شوند.

زنان نزد شما، امانت یزدانند؛ پس به آنان زیان نرسانید و [در مشکلات] تنهایشان نگذارید.

4ـ بردگان

خود می فرمود: [در تقسیم غنائم جنگی] کنیزی با پسرش سهم من شد. تصمیم گرفتم خودش را بفروشم و پسرش را نگه دارم. پیامبر (صلی اللّه علیه وآله) به من فرمود: یا هر دو را بفروش، یا هر دو را نگه دار.

مردی بینی برده اش را بریده بود. امام در قضاوت خود، برده را آزاد و سَرورش را مجازات کرد.

می فرمود: کسی که عضوی از اعضای برده اش را بریده باشد، ما برده را آزاد و سَرورش را به شدت مجازات می کنیم.

مردمان را تشویق به آزادی بردگان می کرد:

کسی که برده ای مسلمان را آزاد کند، خداوند برای هر عضوش، عضوی از او را از آتش دوزخ می رهانَد.

5ـ بیماران

وقتی به دیدن بیمار می رفت و بر بالینش می نشست، برای بهبود او دست به دعا برمی داشت.

از مردم می خواست بیماران خود را با دادن صدقه مداوا کنند.

با بیان پاداش های عیادت، مردم را تشویق می کرد به بیماران سرکشی کنند: هرگاه مؤمن از مؤمنی عیادت می کند، هفتاد هزار فرشته بر او درود می فرستد تا برگردد.

زمانی که کسی برای عیادت دوستش حرکت می کند، همچنان در رحمت خداوند است. هنگامی که مرد بر بالین بیمار می نشیند، مِهر پروردگار او را فرا می گیرد.

بیشترین پاداش را برای عیادتی قائل بود که کوتاه ترین باشد.

6ـ خانواده

کانون خانواده را تا بدانجا محترم می شمرد که در نامه ای به رفاعه نوشت: مبادا درباره طلاق سخنی بگویی!

هر چه باعث گرمی این نهاد شود، تشویق می کرد، تا بدان حد که دانشمندان اسلامی «غذا خوردن مرد با همسرش» را مستحب برشمردند.

بی تبعیض، به مردان و زنان سفارش هایی می کرد تا آسمان زندگی شان هماره آبی و بی ابر کدورتی بماند:

الف ـ مردان

پیش از هر چیز، اهمیت همسر شایسته را به مردان گوشزد می کرد:

به کسی چیزی بهتر از همسر شایسته داده نشد، [همسری که] هرگاه شوهرش او را ببیند، شادمان شود؛ و هر زمان که شوهرش درکنارش نباشد، [اموال و شخصیت] او را حفظ می کند.

همسر همدل را یکی از دو عامل آرامش روانی می دانست.

به مردی که نزدش شتافته بود و از همسرش شکایت می کرد، فرمود: در تمام حالت ها با همسرت سازگاری کن و به نیکی معاشرت نما؛ تا زندگی ات با صفا شود.

از مردان می خواست بهترین همسر برای خانم هایشان باشند:

بهترین شما کسی است که برای همسرش بهترین باشد؛ و من برای خانواده ام بهترینم.

خود چنان همسر نمونه ای بود که وقتی رسول گرامی از دخترش پرسید:

همسرت را چگونه یافتی؟

حضرت فاطمه (علیهاالسلام) پاسخ داد: خوب [یا بهترین] شوهر است.

آراستگی

به مردان فرمان می داد: لباس هایتان را بشویید؛ موهایتان را اصلاح کنید؛ مسواک بزنید؛ خود را بیارایید؛ پاکیزه باشید. بنی اسرائیل چنین نکردند و در نتیجه، زنانشان آلوده دامن شدند.

آزار ممنوع!

هر مردی همسرش را با زبانش بیازارد، خداوند والا نه سخنی از او می پذیرد، و نه عدالت ورزی اش را، و نه نیکوکاری اش را تا همسرش را خرسند کند؛ گرچه روزها روزه گیرد و شب ها به نماز ایستد و برده ها آزاد کند... و [چنین مردی] از نخستین افرادی است که وارد دوزخ می شود.

تأمین اقتصادی

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: اگر مردی مخارج همسرش را پرداخت نمی کرد، امام او را ناگزیر می کرد به وظیفه اش عمل کند.

زهدی که از امام (علیه السلام) سراغ داریم، تنها در مورد خودش بود که رهبری جامعه اسلامی را به عهده داشت، این ساده زیستی، برای خانواده اش نبود [گرچه آنان حق نداشتند اشرافی زندگی کنند]. از همین روی، اباصباح از امام صادق (علیه السلام) می پرسد: می توان کودکان را با طلا آراست؟ حضرت می فرمایند: [آری] شیوه امام علی چنین بود که فرزندان و زنانش را با طلا و نقره [در حد معقول] می آراست.

تاب آوردن اخلاق بد همسر

آگاه باشید! هر مردی بداخلاقی همسرش را تاب بیاورد، خداوند پاداش سپاسگزاران را به وی عطا خواهد کرد.

عدالت ورزی

خود آینه عدالت بود: هنگامی که دو همسر داشت، روزی که نوبت یکی از آن ها بود، در خانه همسر دیگرش وضو نمی گرفت.

درباره مردی که یک یا سه همسر داشت و اینک با دوشیزه ای ازدواج کرده بود، فرمان داد: چون با دختری ازدواج کند، هفت شب نزد او بمانَد؛ پس اگر با بیوه ای ازدواج کند، سه [شب] بماند؛ سپس به تساوی میان همسرانش رفتار کند.

درباره مردی که چند همسر داشت و به سفر رفته بود، فرمود:

وقتی برگشت، نزد همسری برود که نوبت او بود.

غیرت ورزی بی جا

به مردان توصیه می کرد: از حساسیت و تعصب بی جا دست بکشند؛ زیرا درستکار را بیمار [دل] و پاکدامن را به بدگمانی می کشاند.

کمک در کارِ خانه

پاداش های شگفت انگیزی از زبان رسول گرامی (صلی اللّه علیه وآله) درباره کمک مرد در خانه نقل شده است. بر همین اساس، امام نیز در خانه هیزم می شکست، آب می آورْد و جارو می زد.

وفای به عهد و شرط

کسی که به شرطی برای همسرش پای بند شده است، باید آن را انجام دهد... مگر شرطی که حرام را حلال یا حلال را حرام کند.

ب ـ زنان

مهریه مناسب

می خواست مهریه را سنگین در نظر نگیرند؛ زیرا آن را سبب ایجاد «دشمنی» می دانست.

آزار ممنوع!

هر زنی که شوهرش را با زبانش بیازارد، خداوند بلند پایه نه سخنی از او می پذیرد و نه عدالتی، نه نیکوکاری و نه عملی، تا همسرش را راضی کند؛ گر چه [آن زن] روزها روزه گیرد و شب ها نماز برپا دارد و بنده ها آزاد کند... و از نخستین افرادی خواهد بود که به دوزخ گام می نهد.

می فرمود: از پیامبر شنیدم که می گفت: هر زنی به ناحق از همسرش کناره گیرد، در رستاخیز با [خودکامگانی چون [فرعون، هامان و قارون در پایین ترین طبقه از آتش محشور می شود؛ مگر آن که توبه کند و برگردد.

آگاه باشید! هر زنی که با [مشکلات اقتصادی] همسرش همراهی نکند و او را به آن چه در توانایی او نیست، وادارد، خداوند [هیچ] نیکی از او نپذیرد و [روز رستاخیز] پروردگار را در حالی ملاقات خواهد کرد که از او خشمگین است.

خوشبویی

زنِ مسلمان باید خود را برای همسرش خوشبو کند.

نیکو همسرداری

نیک همسرداری را جهاد زن می شمرد.

\* منابع در دفتر مجله موجود است.